

در نهایت باید گفت تولید در کشور ما در جایگاهی متناقض با اهداف تعریف شده واقع است. اگر شعار ما توسعه کشور و رشد اقتصادی تولید محور و صادرات محور است، این مهم به دست متولیان امر محقق خواهد شد و عجیب آن که نقطه اتکای رشد ۸ درصدی اقتصادی ایران، همان نقطه آسیب پذیر اقتصاد کشور ما محسوب می‌شود که به فراموشی سپرده شده است و آن چیزی نیست جز حضور تشکل‌های بخش خصوصی صنعتی. ■

این ارتباط که با حضور نمایندگان خانه صنعت و معدن و اتاق بازرگانی در کمیسیون‌های تخصصی مجلس شورای اسلامی صورت می‌پذیرد، لازمه تحقق نیازهای امروز صنعت کشور است. البته نباید از ذکر این موضوع غافل شد که همواره در کشور ما قوانین موجود - که برخی از آنان از ظرفیت‌های بالایی در جهت توسعه کشور بهره‌مند هستند - مورد بی‌مهری نظام اجرایی واقع می‌شوند، لذا در وهله اول نیازمند بررسی انضباط قانونی دولت‌ها در احترام به قانون اساسی و سایر قوانین موجود در کشور هستیم.

واردات و تولید داخل

غریبه یا وطنی؟



نگاه آقای ضیاء متحدان، مدیر عامل شرکت زیراکس و رییس هیأت مدیره شرکت میخ‌پرچ

تکلیف خودمان را روشن کنیم

ملت ایران به دلیل ثروت‌های خدادادی و سرمایه‌های فراوانی که دارد، شایسته بالاترین و بهترین شاخص‌های رفاه است. کاش به جای آن که کالای

مصرفی خارجی را وارد این کشور کنیم، تکنولوژی تولید آن را وارد نماییم. مثلاً چرا باید امروز صنعت خودروی ایران که از قدمت بالایی برخوردار است، حایز استاندارد و اعتبار بالایی در دنیا نباشد؟ چون این تولید بر مبنای کیفیت فعالیت نمی‌کند. حال چرا دولت از این صنعت حمایت می‌کند؟

در همه جای دنیا دولت باید ناظر باشد، نه مجری. ما هنوز نمی‌دانیم آیا داریم به سمت و سوی سرمایه داری می‌رویم، آیا به سمت سوسیالیسم در حرکت هستیم و یا کمونیزم مقصد ما است؟ اگر می‌خواهیم معجونی از این نظام‌ها را داشته باشیم - همان طور که در کشور ما امروز به این سمت حرکت کرده‌ایم - کلاف سردرگمی حاکم خواهد شد که نتیجه آن بی‌سامانی در اداره کشور و به هم ریختگی اقتصاد ملی است. اگر قرار است خصوصی سازی اتفاق بی‌افتد بهتر است ساماندهی صورت بگیرد و اگر هم قرار است دولتی شدن اقتصاد در دستور باشد، لاقول تکلیف بخش خصوصی کشور روشن شود. تا زمانی که محدوده‌های تعریف نشود و هر کس در جامعه محبوس خود را نداند، سردرگمی با این وضعیت که اکنون شاهد آن هستیم ادامه خواهد داشت. تاریخ نشان داده است که در دهه‌های اخیر، تنها کسانی در عرصه رقابت موفق عمل خواهند کرد که نوآوری را در تولید نصب‌العین خود قرار داده‌اند.

عقب افتادگی تاریخی

مصرف کنندگی امروز در کشور ما امری عادی شده است. علت این که کشور آکنده از برندهای خارجی شده چیست؟ آیا به این دلیل نیست که تولید کننده ما نتوانسته سلیقه مصرفی مردم کشور را تأمین کند. در میان کشورهای همسایه، امروز ایران از نظر تاریخی به نوعی دچار عقب ماندگی شده و با نگاهی به گذشته می‌توان این امر را اثبات کرد. ترکیه از آن کشورهای است که در گذشته در مقایسه با کشور ما از وضعیت خوبی برخوردار نبود، اما با گذشت زمان به یکی از اقتصادهای پیشرفته دنیا تبدیل شده است. توریزم در این کشور چنان رشد کرده است که یکی از ارکان توسعه آن محسوب می‌شود، در حالی که توریزم در کشور ما عملاً رو به نابودی است. در یک کلام، کشور ما، علاوه بر پایه‌گذاری و اجرای سیاست‌های معقول در قبال بخش خصوصی، نیازمند ورود سرمایه‌گذاران خارجی است. ■

چرا یک جنس وطنی قادر به پاسخگویی نیازهای مردم نیست، اما یک جنس خارجی می‌تواند نیازهای مردم کشور ما را تأمین کند؟ با ذکر این سؤال به این نکته اشاره می‌کنیم که نمی‌توان هیچ مصرف کننده‌ای را مجبور به استفاده از یک کالای خارجی یا تولید داخل کرد. تولید کننده ایرانی از مزیت نسبی قابل توجهی برخوردار نیست و این امر به افزایش قیمت تمام شده و قیمت فروش کالای تولیدی خواهد انجامید. در این شرایط مصرف کننده به خرید کالایی مبادرت می‌کند که با قیمت تمام شده پایین‌تر از کشور ثالثی وارد شده است. چرا کالای چینی که از کشوری دیگر با پرداخت مالیات و عوارض و گمرک و هزینه حمل و ده‌ها مورد دیگر به کشور وارد می‌شود، ارزان‌تر از کالای داخلی است؟ چون مثلاً میانگین بهره بانکی ما ۱۸ درصد است و این نرخ در چین ۳ تا ۴ درصد می‌باشد و همین جا یک شکاف ۱۴ درصدی وجود دارد. هزینه ۳۳ درصدی بیمه که توسط کارفرما پرداخت می‌شود مشکل دیگری است. این ارقام را که کنار هم بگذاریم حدود ۳۰ درصد قیمت تمام شده را افزایش می‌دهند. آیا در چین همین رقم بیمه پرداخت می‌شود؟ به علاوه، اکثر کارخانجات مادر ما دولتی هستند و قیمت‌ها بر اساس عرضه و تقاضا تنظیم نشده‌اند.

عامل مهم دیگر، تعطیلات پیاپی موجود در کشور است که موجب می‌شود بازده نیروی انسانی در کشور ما بر خلاف کشوری همچون چین بسیار پایین باشد. اکنون با شرایط موجود، فروش - بر خلاف خرید - در کشور ما به صورت نقلی نیست و با این حساب، تولید کننده چگونه می‌تواند مالیات بر ارزش افزوده را از محل حساب بانکی خود و یا سایر دارایی‌ها بپردازد تا مشمول جریمه نشود؟ از طرف دیگر، با نگاهی به حجم چک‌های برگشتی در کشور ما که به معنای سوخت مطالبات است، باید گفت پرداخت این نوع مالیات به معنای پرداخت هزینه‌ای است که هنوز دریافت نشده است. این روند، منابع مالی ما را هم از بین برده است. در این راستا اگر قرار است صنایع مختلف، مانند صنعت مسکن که جزو صنایع مهم و اشتغال‌زا است، به همین وضعیت و بدون تبعیت از بازار عرضه و تقاضا ادامه یابند، حدود ۴۰۰ صنعت با کارخانه‌های متنوع محصولات وابسته در کشور ما زیر سؤال می‌روند. در این خصوص باید مالیات بر ارزش افزوده را به مآخذ ۶ ماهه طراحی کرد و در بیمه اجتماعی تجدید نظر نمود. زمانی که بحران جهانی اتفاق افتاد کشورها برای ایجاد جذابیت سرمایه‌گذاری نرخ بهره را کاهش دادند، اما در کشور ما این نرخ افزایش یافت. در حال حاضر این ادعا مطرح است که نرخ تورم در کشور ما تک رقمی شده است. اگر این چنین فرضی را بپذیریم، چرا نرخ بهره هنوز دو رقمی است؟ این موضوع تناقضی را نشان می‌دهد که قابل بررسی است. حدود ۱۹ هزار میلیارد تومان کالای قاچاق در کشور که به معنای عدم پرداخت ۳ درصد مالیات ارزش افزوده و عدم پرداخت عوارض گمرکی است، برای صنعت فاجعه بزرگ دیگری است.